

کیهان کلهر نوازنده کمانچه‌وا آهنگ ساز همراه با گروه هلندی «امبرند تریو» در تهران کنسرت می‌دهند. به گزارش فارس، کیهان کلهر و گروه هلندی «امبرند تریو» روز ۱۲۷گوست برابر با ۵ شهریور در شهر اوترخت هلند روی صحنه می‌روند و سپس در تاریخ ۷ مهر در لندن کنسرت می‌دهند. این گروه در تهران این‌تیز به همراه کیهان کلهر روی صحنه خواهدرفت.



سعید تشکری:

رمان ویژه مخاطب ایرانی را گم کرده‌ایم

ادبیات مکشافه‌ای ویژگی است که برای قلم سعید تشکری باید برشمرد. «هرایی» یکی از تازه‌ترین آثار این نویسنده است که نشر علمی و فرهنگی روانه بازار کتاب کرده است. هر قدر آثار سعید تشکری را می‌خوانم، حسی درونم می‌گوید که او دل‌داغه است.

او عاشق است و نوشتن آتش این عشق را سرد می‌کند ولی سعید تشکری با نوشتن آتش عشقش را به جان خوانند گانش می‌اندازد. «هرایی» یکی از تازه‌ترین آثار این نویسنده مشهودی است که برای عشقش می‌نویسد و از اینکه در این مسیر مذمت بشنود، ابایی ندارد. «هرایی» سعید تشکری روایت عشق است؛ عشق «آمنه»، «کریم»، «کرامت»، «فرشته»، «مخدوم»، «اسراء» و… به ولی نعمتان خود. خبرگزاری فارس با نویسنده این رمان به گفت‌وگویر داخته است که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانیم.

■ **زاده ادبیاتی‌ام که در درآشناسایی کرد**

تشکری در باره ریشه عشق نوشتن می‌گوید: «من غلام آفتابم و همه از آفتاب گویم»، ترجمه‌ای دقیق از یک کنش اجتماعی فرهنگی برای بازخورد حوادث به روح و قلم و رمان‌های من است، فقط باید روح را جسمانی ندید و با واژگان و ادبیات پیوندش داد. من زاده ادبیاتی‌ام که درد را شناسایی کرد. معلم نخستین من فردوسی و مولوی نبودند، بلکه فقط اوسنه‌های [افسانه] مردمی را در میان سینه‌های پیر مردها و پیر زنان و حتی دایگان و سپس مادران نوجوان و عروسک‌های شیرخواره که مادرانی اوسنه‌گو بودند یافت‌م و نه بی‌حوصله چون امروز که هیچ حافظه‌ملی ندارند. مادر برای فرزندش باید همچون سنگ صبور باشد. این چکیده ادبیاتی است که من می‌نویسم و باورش دارم، خدا و انسان با ادبیات شهودی به هم می‌رسند. آن سوی تنهایی انسان، خداوند ایستاده است با قصه زندگی ما؛ مردمانی که قصه ندارند زیستن نکرده‌اند!

■ **من کارگر معدن ادبیاتم**

وی در پاسخ به این سوال که اصولاً چقدر نوشتن در اختیار شماس‌ت و چقدر خودش پیش می‌آید و شما نقشه در روی داد، آن ندارد، گفت: ببینید کاشف کیست؟ کشف اصل است یا کاشف بودن؟ آیا ما کشف تصادفی داریم؟ کشف آتش در انسان پاورینه سنگی که از میان جرقه سنگ‌ها آتش را کشف کرد، محصول چیست؟ کاشف تصادفی فقط در کارگاه کشف خود ممکن است این کشف را انجام دهد.

کارگاه کشف بر از مواد آلی و عالی است. آلی و عالی تفاوتش چیست؟ یکی شیمیایی است و نفتی و صنعتی و دیگری می‌مواد موجود در طبیعت. بسیاری از نویسندگان ساز و کارشان با مواد آلی است و گر بنیک؛ دارای کار کشف خود به خودی نداریم. اما مواد آلی و خوب، ندارد. می‌بینید همه ما نویسنده است ساز و کارمان با کشف‌های آلی شیمی و کوانتومی است. اما موادمعدنی ساز و کار من است، من کارگر معدن ادبیاتم. در این معدن است که آدم‌هایی با عنصرهای ناب چه کانی و چه عالی یافت می‌شوند. ما کشف خود به خودی نداریم. ادیبان فی الابداه و نویسنده میان بر هم نداریم. پس هیچ رویدادی اتفاقی و حتی خارج از حوزه کار نویسنده وجود ندارد و تصادفی نیست، نویسنده‌های تصادفی عمری ندارند.

■ **ادبیات کافهای و گلخانه‌ای یک هدف در ادنبال می‌کنند**

تشکری در باره پیچیده نویسی معتقد است: ذهن‌های پیچیده و فریکال به سوی رادیکالیسم فرم می‌روند. نظام ارسطویی چه بخواهیم چه نخواهیم شکسته و فرو ریخته و انکار فرضیه هایزنبرگ رخ نموده که همه، همه چیز هستند، نویسنده‌ها: یاداندو خوانندگان کم‌پس همه نویسنده‌شده‌اندو البته نظریه پرداز و هر چه بیشتر نظریه صادر می‌کنند، بیشتر رادیکال می‌شوند. پیچیدگی اینجاست که وقتی نویسنده‌ای باشی که خواننده انتخابات می‌کند، اهل هوچی‌گری و نان خوردن به نرخ روز رادیکال‌ها و پروپاگاندا و پوپولیسم‌نویس هم نباشی، باید به اصولی وفادار باشی و پای اصولت هم بمانی. تکنیک – ادبیات سینما در مفتون و فیروزه وار د حوزه ادبیات ما شد و پس از رونمایی بلافاصله به نعر رادیکال‌های ادبی مصادره شد. فقدان سبک ویژه نویسنده گانی که از روی دست مترجمان می‌نویسند و ایرانی نویس نیستند، کار را به اباباریک‌های رسانده است که به لای‌روبی نیاز دارد. روان نوشتن و ویژه نوشتن هر دو، نویسنده را از پیچیده نویسی و مغلق نویسی و عملیات آکروباتیک ادبی دور می‌کند؛ مواردی که اصلاً خوشایند هیچ نویسنده واقعی نیست. اما به شدت فضای ادبی ما اشباع شده است. ادبیات کافهای و ادبیات گلخانه‌ای یک هدف در ادنبال می‌کنند؛ از روی دست هم نوشتن محسوس است و شمارگان محدود و گاه جعلی.

ناگهان شعر

-
-
-

هاشم رضازاده

کوروم گر نه پرتوی ذات تورو شن است
مابین کوره ها جلوات تورو شن است
حسن کرده ام همیشه تورا در خودم ولی
شر منده ام من از تو که ذات تورو شن است
در کوره راه گمشده ای باز گم شدم
اما خوشم که «راه نجات» تورو شن است
تو خوب مطلق و من آواره در لغات
در کم، کم است گر چه صفات تورو شن است
ایام هفته را که نهفهمیده ام ولی
هر جمعه از دعای سمات تورو شن است

فرامرز اکبری

حیدر علی وقتی تورا با بادعا کرد
بی بی سکنیه رود چشمش را راه کرد
مادر در آغوش دوباره غوطه ور شد
آنجا سفاش های خود را با خدا کرد
عباس کوچک جست ز دبر شاهن هایت
روی تورا نویسود خود را جابه جا کرد
لبلا برایت کاسه ای از درد آورد
از پشت سر پاشیدو بعد از آن دعا کرد
از سینه ات آتشفشانی تا خادرافت
یک کاروان دل با تو سمت کربلا رفت
وقتی تور وقتی لاله ها خوش رنگ بودند
پروانه هادر را به سنبل داده بودند
در باغ های قلعه سبزی موج می زد
سر شاخه ها سر را به لبیل داده بودند
بر مادر ت کرد توکل داده بودند
بایت چنان بر سنگ فرش کوچه می رفت
گویى به دست جام پر مل داده بودند
وقتی تور وقتی لاله ها خوش رنگ بودند
حتی تمام کوچه ها دلتنگ بودند
در جبهه می گفتند مثل شیر بودی
همچون عقابی تیز و دشمن گیر بودی
جان بر کف گردان هفتم بود نامت
انگار از جان خودت هم سیر بودی
در شب چکاوک با لعلات ذکر می گفت
در روز ها چون تیغه شمشیر بودی
دست شهادت پیکرت را لمس می کرد
او حلقه در بود تو زنجیر بودی
آخر شهادت یک سحر خاسترت کرد
خمپاره ای غرید و چون گل پر پرت کرد
وقتی پلاکت را به ده آورده بودند
لیخند در از لبانش برده بودند
مانند برگی زرد در آن فصل پاییز
عباس و لبلا ی تورا یز مژه ده بودند
ما مادر و بابای پیرت کوچه ها هم
یک استکان چای تحمل خورده بودند
در تنگ چشمه ماهیان ریز شکی
مثل تمام نخل ها افسرده بودند
حالا تورا هرگز نخواهم بر داز یاد
این ده به نامت شد شهید حیدر آباد

محمد جواد شاهمرادی (آسمان)

ای غنچه خزان وز مستان در انتظار!
ای بیک دور و دیر شکوفایی بهار!
مارا ببین شکسته و تپیدار و شرمسار
مارا ببین شکسته تر از پشت روزگار
گاهی بهر غم نومیدی ها امیادوار
گاهی ز بی شکبکی بیهوده بی قرار
چندی دعای «از چندی خسته و مثناب»
چندی دعای «چندی بر روح مبار»
عمری ست خوانده ایم و اجابت نکرده ای
عمری ست مرده ایم. ز هی داغ دادگار!
رقصان ز ضرب کوبه میخانه توایم
در ظاهر و خفیّه و پنهان و آشکار
از لطف و عدل تو ست که همچند زاده اند
هر های بی کران ز خُمارِ ان بی شمار
مارا به شوق پشت همین در نگاه دار
هر روز، شوقِ دیگر و عُذری دگر بیار

سهیل سوزنی

می میرم از نبودن ای هم نفس، بیا
در دشتنا تر از توشند هیچ کس، بیا
امشب هوای بوی گل یاس کرده ام
ای نوبرانه یاسمن زودرس، بیا
پوشانده باغ را، علف هرز، جای جای
برخیز باغبان، به هوای هرس بیا
چون من پرندۀ ای به قفس نیست، دل غمین
جانا بر ابرای دیدن من در قفس بیا
از پشت میله ها به افق خیره می شوم
پیش از خروس خوانی و بانگ جرس بیا
یعنی نمی شود که نیایی، مسافرم
بر بوسه های داغ تو دارم هوس، بیا
ای آرزوی آخرم از آستان عشق
راهی به پیش نیست بر ای تو، پس بیا

شهریار

آگهی مزایده

شهرداری منطقه هشت در نظر دارد پیمست اسکیت بوستان کوهسنگی را از طریق مزایده به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد به سایت **cts.mashhad.ir** مراجعه فرمایید.

تلفن تماس: ۳۸۵۹۱۰۹۱

امور قراردادها و پیمانهای

شهرداری منطقه هشت

ادبیات و هنر

<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>
<div></div>	<div></div>

موسیقی

-
-
-

طنین موسیقی نواحی ایران در دیار کریمان



اولین روز از برگزاری دهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در حالی میزبان مخاطبان و شهروندان کرمانی بود که اجراهای عمومی آثار با استقبال بیشتری از سوی مخاطبان مواجه شد.به گزارش خبرنگار مهر، احمد صدی، دبیر دهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران، در ابتدای اجرای اولین برنامه های این دوره از جشنواره که بعد از ظهر سه شنبه ششم تیر ماه در تالار اجتماعات اتاق بازرگانی کرمان برگزار شد، توضیح داد: برنامه ای که برای این دوره از جشنواره اختصاص دادیم، به موضوع منظومه خوانی اختصاص دارد که من فکر می کردم در کرمان هیچ منظومه خوانی وجود ندارد اما بسیار خوشحالم که باتلاش خستگی ناپذیر فواد توحیدی یکی از پژوهشگران برجسته موسیقی نواحی کشورمان، مشخص شد که در کرمان هم منظومه خوانی وجود دارد و اتفاقاً از گونه های بسیار متعددی برخوردار است که می تواند برای علاقه مندان موسیقی اقوام جالب توجه باشد.

■ **بعد از نظامی موفق ترین منظومه خوان خواجهوی کرمانی است**

فواد توحیدی، پژوهشگر صاحب نام موسیقی اقوام کرمان و عضو هیئت داوران جشنواره در روز اول هم ضمن ارائه توضیحاتی در حوزه منظومه خوانی منطقه کرمان گفت: طبق تحقیقات، سنایی و نظامی بنیان گذاران منظومه خوانی و منظومه سرایی در ایران هستند. منظومه به مثنوی هایی می گویند که یا در قالب داستان های تمثیلی یا داستان های بلند از قبیل لیلی و مجنون و منطلق الطیر نگاشته شده است. منظومه ها در سه موضوع عاشقانه، عارفانه و حماسی به مخاطب ارائه می شود که طبق مستندات موجود بعد از نظامی موفق ترین منظومه خوان خواجهوی کرمانی است و ما امروز بسیار خوشحالمیم که در دیارش شاهد برگزاری منظومه خوانی هنرمندان کرمانی در قالب جشنواره موسیقی نواحی کرمان هستیم. وی اظهار کرد: البته بعداز خواجهوی کرمانی، امیر خسرو دهلوی نیز یکی از قطب های منظومه خوانی کرمان است که با حضور اقوام مختلف در گستره پهناور استان کرمان، از تنوع بسیار خوب و جالب توجهی برخوردار است و می تواند در آینده مورد توجه بیشتر پژوهشگران و مخاطبان قرار گیرد. به هر حال مادر استان کرمان به تنهایی ۳۵ تنوع سازی داریم به همین دلیل نمی توانیم موسیقی یک دستی را به عنوان نماد در موسیقی کرمان معرفی کنیم اما بسیار خوب است که با اجرای مستمر چنین کارهایی در جست وجوی نعمات آیینی و ارزشمند موسیقی اقوام ایران باشیم.

خبر

-
-
-

جایزه بنیاد موقوفات افشار به (ژیلبر لازار) رسید



بیست و چهارمین جایزه ادبی و تاریخی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار به «ژیلبر لازار» ایران شناس فرانسوی اهدا می‌شود.

به گزارش ایسنا، هیئت گزینش جایزه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی بیست و چهارمین جایزه ادبی و تاریخی خود را به ایران شناس فرانسوی، ژیلبر لازار تقدیم خواهد کرد. این جایزه که شامل یک لوح، یک ویک‌آپ قالی دستپاف نابین زبوریا فته یا فته لازار است، ۱۳ تیر برابر ۴ ژوئیه در خانه فرهنگ در پاریس –فرانسه Rue Jean Bart, ۶ Centre culturel d'Iran (N) Paris ۷۵۰۰۶) به دست رئیس شورای تولیت بنیاد موقوفات افشار، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، به لازار اهدا خواهد شد.

لازار از دانشمندانی است که عمر خود را صرف تحقیق درباره زبان فارسی و فرهنگ ایرانی کرده است. به همین مناسبت سال گذشته فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز او را به عنوان عضو افتخاری خود برگزید. برخی آثار لازار عبارت‌اند از: زبان کهن‌ترین متون نثر فارسی، دستور زبان فارسی معاصر، فرهنگ فارسی–فرانسه، شکل‌گیری زبان فارسی، اشعار بارکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی‌زبان از حنظله بادغیسی تا دقیقی، بررسی وزن شعر ایرانی، ترجمه فرانسوی برگزیده رباعیات خیام و گزیده ای از غزل‌های حافظ.

سال گذشته این جایزه به شاعر برآوازه ایرانی، امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) اهدا شد. از دیگر دانشمندانی که تاکنون این جایزه را دریافت کرده‌اند می‌توان به ریچارد فرای، شارل هانری دوفوشه کور، برت فرانکر، آنجلو میکله‌پیه مونتسه، سیدمحمد دبیرسیاقی، غلامحسین یوسفی، منوچهر ستوده و عبدالحسین زرین‌کوب اشاره کرد. اعضای هیئت گزینش کتاب و جایزه دکتر محمود افشار عبارت‌اند از: دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر ژاله آموزگار، دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر محمود امیدسالار، دکتر فتح‌الله... مجتبابی، دکتر حسن انوری و کاوه بیات.